

چکیده تاریخ ایران

از کوچ آریایی‌ها تا پایان سلسله‌ی پهلوی

حسن نراقی



نشر اختران

سرناسه	نراقی، حسن، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	چکیده تاریخ ایران (از کوچ آریایی‌ها تا پایان سلسله پهلوی) / مولف حسن نراقی.
مشخصات نشر	تهران: اختران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۷۳ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۷۰-۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.
موضوع	ایران — تاریخ.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۷ ج ۸ / ن ۴ / BF ۱۱۰
رده‌بندی دیویی	۹۵۵
کتابخانه ملی ایران	۲۴۰۲۰ - ۷۹ م



نشر اختران

چکیده تاریخ ایران

(از کوچ آریایی‌ها تا پایان سلسله پهلوی)

حسن نراقی

طرح جلد: علی عابدی

چاپ چهاردهم (سوم ناشر ۱۳۹۷)

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی بهمن

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۲ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
 info@akhtaranbook.ir - www.akhtaranbook.ir - instagram: akhtaranpub

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۷۰-۲-۱

همه حقوق محفوظ است

بها: ۱۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

- ۹ جان «مقدمه‌ی چاپ دوم»
۱۳ پس‌گفتار - اپ اول
۱۹ مختصری درباره «ایران زمین»
۲۲ سرآغاز تاریخ ایران
چگونگی پیدایش زرتشت
۲۶ هخامنشیان
کوروش کبیر - داریوش بزرگ - خشایارشا - اردشیر اول
پایان کار هخامنشیان
۳۲ سلوکیان
۳۴ پارتیان (اشکانیان)
فرهاد اول و مهرداد اول - فرهاد دوم و مهرداد دوم - سلطنت
فرهاد سوم تا اردوان - سرانجام اشکانیان
۴۱ ساسانیان
پادشاهی اردشیر - شاپور اول - سلطنت هرمز و بهرام اول

سلطنت بهرام دوم تا... مرگ هرمز - شاپور ذوالاکتاف -
 سلطنت اردشیر دوم - بهرام گور - سلطنت یزدگرد دوم تا... مرگ
 کیقباد - انوشیروان (معروف به عادل) - سلطنت هرمز و خسرو
 پرویز - قباد دوم تا فرجام کار سلسله ساسانیان

۶۰ ظهور اسلام

خلافت عبدالملک تا انقراض امویان

۶۸ خلافت عباسیان

هارون الرشید - خلفای بعد از هارون و مختصری درباره طاهریان

۷۴ صفاریان و سامانیان

۷۷ دیلمیان (آل بویه)

۷۹ غزنویان

سلطان محمود - سلطان مسعود -

۸۳ سلجوقیان (ترکان سلجوقی)

آلب ارسلان - ملکشاه - سلطان سنجر و انقراض سلاجقیان

۸۶ خوارزمشاهیان

۸۸ اتابکان

۸۹ حمله ی مغولان و انقراض خوارزمشاهیان

۹۴ ایلخانان

غازان خان - اولجایتو و بقایای ایلخانان - تیمور لنگ

۱۰۱

پیدایش سلسله‌ی صفوی

سلطنت شاه اسماعیل صفوی - شاه طهماسب اول -
 شاه اسماعیل دوم - محمد خدابنده - شاه عباس کبیر!! -
 شاه صفی - شاه عباس دوم - شاه سلیمان - شاه سلطان حسین

۱۱۶

مختصری در مورد افغان‌ها

رزش محمود افغان - حکمرانی محمود افغان -
 حکمرانی اشکانی و سرانجام او

۱۲۵

سلطنت نادرشاه

۱۳۳

حوادث بعد از مرگ نادرشاه و سلسله‌ی زندیه

۱۳۸

قاجاریه

فتحعلی شاه قاجار - معاهده‌های خف‌آر «گلستان و
 ترکمانچای» - مرگ فتحعلی شاه - جانشین احمدشاه -
 ناصرالدین شاه - مختصری در مورد پیدایش «آب و بابیه» -
 قتل امیرکبیر و ادامه‌ی سلطنت ناصرالدین شاه -
 مظفرالدین شاه و انقلاب مشروطه - محمدعلی شاه -
 احمدشاه قاجار

۱۶۶

سلطنت پهلوی اول

پهلوی دوم

به جای «مقدمه‌ی چاپ دوم»

چاپ اول «چکیده‌ی تاریخ ایران» حداقل بنا به تشخیص ناشر، آن قدر از انبال عمومی برخوردار شد، که اقدام برای چاپ دوم آن را توجیه کند.

بعد از پخش کتاب، با عکس‌العمل‌های مثبت و منفی زیادی از سوی خوانندگان روبرو شدم؛ شماری از آنها در زمره‌ی آشنایان و به صورت شفاهی، تعداد قابل ملاحظه‌ای نیز به صورت مکتوب مورد خطاب، و گاهی عتاب قرار داده بودند. صراحتاً باید عنوان کنم کتاب به مذاق بسیاری از آنان خوش نیامده بود، و مرا متهم به تخریب مفاخر گذشته کرده بودند. برای نمونه به تعدادی از این برخوردهای نسبتاً متفاوت می‌پردازم:

کتابم را برای تصحیح و راهنمایی استاد صاحب نامی بردم، با یادآوری و ذکر مرتب این‌که... نه ادعای تاریخننگاری دارم نه حتی قصد شروع آن را؛ رفته بودم برای فرزند نوجوانم که متأسفانه به دلیل دوری از وطن، تسلط چندانی به ادبیات فارسی ندارد، تاریخ خلاصه‌ای تهیه کنم تا کمی با گذشته‌ی سرزمین آبا و اجدادش آشنا شود؛ هرچه بیشتر گشتم کمتر یافتم، این شد که مجبور شدم خودم به فکر تهیه‌ی این خلاصه بيفتم. به قول معروف نکردید... کردم! حالا هم اگر ایراد دارد که تازه‌واردی وارد این میدان بشود، دیر نشده، خودتان یک خلاصه‌ی بهتری تهیه کنید... ولی این کار را انجام ندهید.

به هر حال از ایشان شرمندهام که با تمام محبتی که کردند نتوانستم برای ایشان شاگرد حرف شنویی باشم.

خواننده‌ی عزیز دیگری نوشته بودند: پدرم از نسل نادرشاه بود و در نتیجه من، همیشه به این قسمت از تاریخ کشورمان با غرور خاصی می‌نگریستم، تا آن جا که هروقت از خیابان تخت طاووس و کوه نور و... گذری داشتم، رگ نادریم ضربان بیشتری پیدا می‌کرد! کتاب تو نیز... خوشی را هم از من گرفت. به ایشان فقط می‌توانم عرض کنم: مفاخری که با اذعان خودتان با یک یادداشت به این کوتاهی و به این راحتی دستخوش حادثه بشود مطمئناً مفاخر ریشه‌داری نیستند. ما در همین تاریخ دوازده‌ی خودمان مفاخر بزرگ کم نداریم، اگر «واقع‌گرایی» را به‌شش «احساس‌گرایی» کنیم مطمئناً خود مفاخر واقعی پیدایشان خواهد شد...

و در جای دیگر: اطلاعات تاریخی‌ام بیشتر بقایای بسیار کم‌رنگ آن چیزی است که در طول سال‌های مدرسه به اجبار و به خاطر گرفتن نمره‌ای آن‌هم در حد قبولی می‌خواندم؛ و به ما و در خارج از مدرسه وقتی که در صدد جبران این نقیصه برآمدم، بار که چشمانم به کتاب‌های قطور تاریخی می‌افتاد وحشت می‌کردم به رسد به این که به آنها نزدیک شوم... کتاب شما این فرصت را به من داد که تاریخ را در یک مجموعه‌ی محدود و در حد فرصت و علاقه‌ی خودم بینم و به این وسیله امکان اشراف کلی بر تاریخ کشورمان برایم پیش آمد... از حسن نظر ایشان هم ممنون.

خواننده‌ی عزیز دیگری اخطار کرده بودند که: اصلاً به تو چه مربوط است؟ که درباره پادشاهان این مملکت این چنین اظهار نظر کنی؟... حداقل انتظارم از این همه گفتمان‌های درهم و برهمی که این

روزها جریان دارد این بود که نسیمی هم به طرف ایشان ولو با زور!! وزانده می شد که دیگر علی رغم اذعان من بر «بی ادعایی در تاریخ نویسی»، حق شهروندیمان را منکر نشوند و به من اجازه دهند که نظر شخصی ام را ابراز کنم.

ایراد دیگری که خیلی ها گرفته بودند، به کاربردن سال های میلادی بود در تمامی موارد، منجمله رخ داده های مذهبی بود که به حق به کاربردن تاریخ میلادی درباره ی آنها خیلی عادی نمی نمود. حقیقت اش را بخواهید، من خودم همیشه از این که مجبور بودم تاریخ های گوناگون قمری و شمسی و میلادی را به یکدیگر تبدیل کنم در رنج بودم (حالا از جای شکرش باقی مانده که دیگر تقویم شاهنشاهی به آنها اضافه نشد) و نظر شخصی ام این بود و هنوز هم هست که با نزدیک شدن روز افزون ملت ها به یکدیگر، یک نوع گرایش و دسترسی به فرنگی به تعبیری محتاطانه، «فراملتی» شکل خواهد گرفت، یعنی دارد می گیریم به بخواهیم و چه نخواهیم. این یعنی این که یک روزی مردم دنیا مجبور خواهند شد از یکی از تاریخ های موجود و شاید هم یک تاریخ توافقی دیگر صحبت کنند و تعطیلات آخر هفته را، بر طبق قراردادی، در یک روز معین قرار دهند؛ ضمن این که این امید را دارم و آرزو هم می کنم نه یک روزی همه ی مردم دنیا ساعت هایشان را مثل ما ایرانی ها در روزهای اول خردادین و مهر پس و پیش کنند، سال «نو» شان را هم همان مطابق نوروز ایرانیان جشن بگیرند. این باور من است که این اتفاق یک روزی خواهد افتاد؛ بنابراین ذکر تمامی حوادث را در این کتاب با تاریخ میلادی بیش از آن که به حساب «غرب زدگی» ام بگذارید، به حساب «آسان خواهی و آسان سازی» ام بگذارید. بگذریم! یک نکته ی دیگر را هم باید توضیح

بد هم و آن این که در چاپ اول حدود بیست و اندی غلط چاپی در متن راه یافت، در این مورد تنها راهی که برایم باقی مانده این است که به نیابت از طرف ناشر از همه ی خوانندگانم عذرخواهی کنم و بگویم: اصلاً تقصیر از من بود!

در آخر این که بر عهده خود می دانم که از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر عبدالحسین نوائی و هم چنین دوست فرهیخته جناب مهندس محمود طلوع که در تصحیح چاپ دوم این کتاب یاری بسیار دادند، همه مانه قدردانی و سپاسگزاری بنمایم.

ح - ن